پیام شهر قزوین

هفته نامه اطلاع رسانی شهرداری قزوین

صاحب امتیاز: شهرداری قزوین

مدیرمسئول: عادله مهرابی

سردبیر: مریم جواهران

صفحه آرایی و گرافیک: محمد (مرتضی) ملاعلیا

چهارشنبه اول مرداد ماه ۱۳۹۹ | اول ذی الحجه ۱۴۴۱ | شماره ۳۵۷

چاپ: موسسه ایران چاپ

آدرس: قزوین، خیابان آیت اله کاشانی (باغ دبیر)، کوچه آزاد، پلاک۲، هفته نامه پیام شهر.

شماره تماس: ۳۳۲۳۱۲۴۱

وب سایت: payameshahr.qazvin.ir پست الکترونیکی: payamshahr98@gmail.com

استفاده از مطالب و عکس های نشریه با ذکر منابع آزاد است.

باران رحمت

امام صادق علیه السلام: مَن قَبِلَ اللهُ مِنهُ صَلاةً واحِدةً لَم یُعَذِّبهُ و مَن قَبِلَ مِنهُ حَسَنَةً لَم یُعَذِّبهُ؛

خداوند از هر کس یک نماز و یا یک کار نیک را قبول کند، عذابش نمی کند.

کافی(ط-الاسلامیه) ج ۳، ص ۲۶۶، ح ۱۱ احکام

سوال: شک در مورد تلفظ کلمات در غیر قرائت (حمد و سوره) مثلا در تکبیرة الاحرام چگونه است؟

در فرض مذکور اگر شک در وقوع آن دارد در صورتی که از محل نگذشته باشد، واجب است آن را به جا بیاورد و اگر از محل گذشته است به شک خود اعتنا نکند. ولی اگر شک در صحت و فساد آنچه که انجام داده دارد نه شک در اصل وقوع آن، در این صورت حتی اگر هنوز در محل باشد به شک خود اعتنا نکند، البته نسبت به غیر از تکبیرة الاحرام و ارکان دیگر در صورت اخیر احتیاط به اعاده قرائت و ذکر است به نیت قربت و در رکن احتیاط به اتمام نماز و اعاده آن است.

برگرفته از کتاب استفتائات مقام معظم رهبری(مدظله العالی)

خبر و فرهنگ

درافشانی، معاون شهردار و رئیس سازمان فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شهرداری:

آماده پذیرش و اجرای ایده های جدید در حوزه علوم قرآنی هستیم

سازمان فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شهرداری قزوین آماده پذیرش و اجرای ایده‌های جدید در حوزه علوم قرآنی است.

به گزارش روابط عمومی سازمان فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شهرداری قزوین؛ محمد درافشانی در جریان بازدید از بیست و یکمین مرحله داوری طرح تجلیل از حافظان قرآن کریمبا بیان این مطلب، گفت: این سازمان همواره در حوزه‌های مختلف فرهنگی نقش حمایتی و نظارتی داشته و کار اجرایی را بدست کارشناسانی سپرده که نقاط ضعف و قوت را می شناسند.

درافشانی افزود: می‌توانیم با استفاده از پتانسیل و ظرفیت فضای مجازی طرح های قرآنی را اجرا کنیم تا نسل جدید اُنس بیشتری با کلام وحی داشته باشند و به تبع آن آسیب‌ها و چالشهای موجود در میان خانواده‌ها و جامعه کمتر شود.

حمایت از ایده‌های برتر فرهنگی در راستای ارتقای فرهنگ شهروندی

معاون شهردار و رئیس سازمان فرهنگی،اجتماعی و ورزشی شهرداری قزوین گفت: از ایده های برتر شهروندان که در ارتقای فرهنگ شهر موثر باشد، حمایت می کنیم.

به گزارش روابط عمومی سازمان فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شهرداری قزوین؛ محمد درافشانی در مراسم تقدیر از برگزیدگان پویش شهروندی «قزوین کتاب می خواند»، بیان کرد: جشنواره‌ها و برنامه‌های تدارک دیده شده برای امسال به دلیل شیوع ویروس کرونا لغو شد؛ اما برای تشویق مردم به پیوستن در پویش «در خانه بمانیم» برگزاری جشنواره و مسابقات در فضای مجازی جایگزین برنامه های استیجی شد.

وی از نفرات برگزیده خواست تا به عنوان سفیران فرهنگی در حوزه کتاب و کتابخوانی حضور فعال داشته باشند و پیشنهادات و ایده‌های خود را در خصوص برگزاری پویش های فرهنگی در فضای مجازی به سازمان ارائه دهند..

درافشانی تشویق شهروندان برای حضور در خانه و مقابله با شیوع ویروس کرونا، استفاده از فراغت به وجود آمده در خانه‌ها بدلیل شیوع ویروس کرونا، بهره برداری مناسب از ظرفیت فضاهای مجازی برای ترویج فرهنگ کتاب‌خوانی و تشویق شهروندان به امر مهم مطالعه را از جمله اهداف برگزاری این پویش برشمرد.

گفتنی است، پویش شهروندی «قزوین کتاب می خواند» از ۱۵ اسفنده ماه ۹۸ تا ۳۱ فروردین ماه سال جاری برگزار شد که در پایان به ۱۰ نفر از شرکت کنندگان در این پویش کتابخوانی به قید قرعه و به رسم یادبود لوح تقدیر و جوایزی اهدا شد.

مسابقه ایده پذیری»آرزوی من، زادگاه من..»

مسابقه ایده پذیری» آرزوی من، زادگاه من...» ویژه رده سنی کودکان و نوجوانان(۷ تا ۱۸ سال) برگزار می‌شود.

به گزارش روابط عمومی سازمان فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شهرداری قزوین؛ این مسابقه با هدف تقویت روحیه خودباوری، جلب مشارکت کودکان و نوجوانان در مدیریت شهری و تقویت ایده پردازی و خلاقیت میان آنها برگزار می‌شود.

علاقه‌مندان با این هدف که آرزو دارند، زادگاه و محل زندگی شان چگونه باشد تا ۱۵ مرداد فرصت دارند ایده‌ها و آثار خود را در بخش های نقاشی، متن ادبی، داستان کوتاه، شعر و طراحی پوستر در محورهای آسایش و آرامش، ایمنی و امنیت، نشاط و شادابی، حفظ و گسترش فضای سبز و زیبایی بصری به دبیرخانه مسابقه «آرزوی من،زادگاه من» ارسال کنند.

گپ

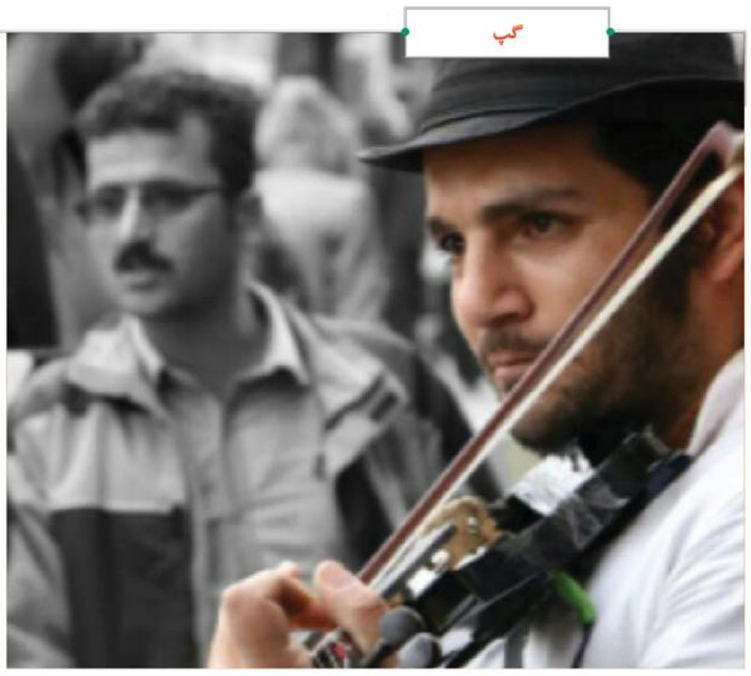

خیابان خیام قزوین به دلیل تجاری بودن و رفت و آمد زیاد مردم انگار کمی جلوتر از بقیه خیابان‌های شهر حرکت می کند. هرچیز جدیدی که مد می شود، مانند لباس و مدل ماشین و ... را در آن جا می توان پیدا کرد. حتی جدیدترین موزیک‌ها و فیلم‌ها را؛ اما یکی از اتفاقاتی که در سال‌های اخیر در این خیابان شلوغ و متنوع می توان دید موسیقی خیابانی است. گاهی در گوشه و کنار آن افرادی را می بینیم که ایستاده‌اند و سازی می نوازند و از این طریق درآمدی کسب می کنند.

یکی از این نوازنده‌ها جوانی است با نام وحید شادکام نیا که وقتی با او گفت‌وگو کردم فهمیدم با بقیه نوازنده‌های خیابانی کمی فرق دارد.

او متولد ۱۳۶۶ در گرگان است. پدرش ساز می زد و به این ترتیب گوش او از کودکی با ساز آشنا می شود. کمی بزرگتر که می شود ساز را از پدر فرا می گیرد. با اینکه ۵ خواهر و برادر دیگرش به کارهای مختلفی مشغول می شوند، او موسیقی را ادامه می دهد و ۱۸ سالش که می‌شود از این طریق کسب درآمد می کند. هنگامی که ۲۱ ساله می شود، دوستی در تهران داشته که به او پیشنهاد مهاجرت به تهران را می دهد و آنقدر کارش را خوب بلد بوده که حضور در یک گروه حرفه ای (پژواک) به او پیشنهاد می شود و او نیز این پیشنهاد را می پذیرد.

گل اندام صفری

پای حرف های یک نوازنده خیابانی؛

از سالن بزرگ اجرا تا خیابان

● - بعد چه اتفاقی افتاد؟ چه شد که همه چیز عوض شد؟

گاهی در زندگی اتفاقات ناگواری می افتد که مسیر زندگی آدم ناگهان عوض می شود. سال ۸۹ هنگامی که فرزندم سه سالش بود. متاسفانه تصادف کردم و چون مجبور به پرداخت دیه شدم و همه چیزمان را فروختیم حتی سازم را...از گروهی که در آن مشغول بودم جدا شدم و بعد ساز ارزان تری خریدم تا با نوازندگی خیابانی بتوانم پول لازم را فراهم کنم.

● چطور گذرتان به قزوین افتاد؟

با شرایط بد مالی که داشتیم، زندگی در تهران بسیار سخت بود و باید به شهر دیگری می رفتیم. قزوین نزدیک تهران بود و از طرفی شنیده بودم که در این شهر موسیقی خیابانی زیاد نیست و برای مردم آن تازگی دارد. سال ۹۱ به قزوین آمدیم و من در خیابان خیام مشغول به نوازندگی شدم.

● برخورد و عکس العمل مردم با شما چطور بود؟

اکثرا استقبال کردند و خوششان آمد. با من با احترام رفتار می کردند و چون حرفه ای ساز می‌زدم و می گفتند حیف است تو در خیابان نوازندگی کنی. هنگامی که ماجرا را می شنیدند که به خاطر یک اتفاق مجبور به پذیرش این شرایط شده ام تحت تأثیر قرار می گرفتند و جایگاه ویژه ای برایم قائل می‌شدند.

● چه خاطراتی در ذهنت از مردم داری؟

اینکه گاهی دورم جمع می شدند، همراه با نواختن ساز دست می زدند و می خواندند و همین که آنها را خوشحال می کنم و روح تازه‌ای به محیط خیابان می دهم خوشحال بودم و احساس رضایت داشتم. موسیقی خیابانی حال و هوای تازه ای به شهر می‌دهد و به روحیه خسته مردم جان می بخشد.

● به جز خیابان خیام به خیابان‌های دیگر شهر هم رفته‌ای؟

بله مثلا به خیابان مولوی نزدیک بازار رفتم. آنجا هم برخورد و استقبال مردم خوب بود؛ اما نه به خوبی خیابان خیام. ..این بود که در همان خیام ماندگار شده‌ام.

● در حال حاضر کجا مشغول کار هستی؟

- مدتی است به تهران آمده ام؛ چون می خواستم کمی از قزوین فاصله بگیرم تا برای مردم تکراری نشوم. بعد دوباره برگردم قزوین و همان جا به نوازندگی ادامه بدهم.

● آرزویت چیست؟ می خواهی به چه چیزی برسی؟

خب من سال‌ها با تلاش و کوشش موسیقی را یاد نگرفته بودم که در خیابان بنوازم. دلم می خواهد شرایطم دوباره مساعد شود و بتوانم در یک گروهی دوباره به صورت حرفه ای بنوازم و کار کنم و در سالن‌های بزرگ اجرا داشته باشم. راستش از کوچه و خیابان خسته شده‌ام. درست است که مردم را شاد می کنم؛ اما کار در این شرایط واقعا سخت است.

شهر فرهنگ

به نام خداوند جان و خرد

انجمن ادبی استان دری به خانه خورشید

ندا خوینی

شعر از شعور می آید و شاعری از شهود. مدتها بود که پراکندگی شب شعرها و نا آشنابودن شاعرانی که باید در آشنایی هم شعر بخوانند، شده بود بغضی و گلوی شهر کهنم قزوین را که عبیدها را داشت و به عارف هایش می‌نازید، می فشرد.

باید مهری جانهای آشنا را در کنار هم به سرودن شعری از جنس عشق وا می داشت که زیباییش در با هم سرودنش باشد.

دریایی به عمق اقیانوس می خواست که این همه رود شور و شوق پراکنده را از دشتهای دور بیاورد در کنار هم قرار دهد تا معجزه عشق شاهد خلق اثری و شاهکاری جاودانه باشد. کمر همت بستیم و راهی هفت خوانی برای آفریدن اعتماد به یکی شدن دستها شدیم و آغاز کردیم و دور هم نشستیم قصه غصه ها را بارها و بارها مرور کردیم تا افقی باز شود به آنسوی کلمات ناب.

هماهنگی نغمه روح‌های عاشق و درک نوای قلب هر شاعری شده بود آرزویمان. مدام این سوال را از خود می‌پرسیدیم که آیا آهنگ همدلی که نیاز اولیه است برای تلاش در کنار هم بودن است برای فردای روشن شعر نواخته خواهد شد؟ گاهی دلشوره امانمان را می برید: که نکند شکل نگیرد! نکند خسته شویم!

اما راه زیبا بود، پر بود از عطر شب بوها و یاس‌های معطر اندیشه یاران. که اندیشیدن و ساختن، آواز همواره شان بود. دورهمی‌ها بیشتر شد تا به مرز همدلی برای مکانی و زمانی و فراغتی برای کشف بیشتر ماهیت شعر و شاعری رسیدیم و کانون با دستهای جوان و پر تلاش خیالپردازان دشت های پر واژه و قصه گویان شبهای دراز شکل گرفت. به جمعی واحد تحت عنوان انجمن ادبی استان رسیدیم که سکاندار دریای متلاطم کلمات و هدایتگر ذهن‌های جوان و عاشق باشد ذو اکنون با امید به همفکری همین ذهنهای جوان ادامه می دهیم شب را و روز را و هنوزهای شعر امروز شهر کهنم قزوین را.

هنر شهر

کرونا و کوران هنر

کیوان حبیبی

کووید ۱۹ از آن دسته بیماری‌هایی ست که شکننده بودن جهان پیرامون ما را به‌خوبی نشان داد. در این میان اگر به هنر به‌عنوان یک عنصر کلی بنگریم؛ ضربه‌های این بیماری بر پیکره نحیف آن به‌خوبی مشهود است. در میان هنرها در زمان کرونا تئاتر و سینما وضعیت پیچیده‌تری پیدا کرده‌اند؛ چراکه شرط لازم برای به ثمر نشستن تلاش این هنرمندان حضور دسته‌جمعی تماشاچیانی است که به این مقوله عشق می‌ورزند. حال آنکه ستاد ملی مبارزه با کرونا شدیداً مخالف اجتماعات این چنینی ست. قصد مظلوم‌نمایی یا سیاه جلوه دادن روزگار فعالان این عرصه نیست. تا هنگامی که راهکار علمی برای مبارزه با کووید ۱۹ یافت نشود، تعطیلی فعالیت‌های هنری به خصوص تئاتر و سینما که به اجتماع به‌عنوان مهر تأییدی بر اثر هنری خود می‌نگرند، دور از انتظار نیست. در تئاتر وضعیت وخیم‌تر به نظر می‌رسد؛ چون برخلاف سینما که مخاطب اتفاقات را روی پرده به نظاره می‌نشیند، صحنه نمایش نیاز به موجودات زنده‌ای دارد که در آن بازیگران نفس به نفس تماشاگران، داستانی را به بازسازی مشغول هستند و این وضعیت در شرایط کنونی خود خطری هم برای بیننده هم بازیگر و هم عوامل پشت صحنه محسوب می‌شود.

در این میان وظیفه دولتمردان به آن‌ها یادآوری می کند که برای جلوگیری از سقوط و نابودی این دو هنر چاره‌ای عقلانی و علمی بیندیشند. آیا می‌شود به تئاتر و سینما در این برهه زمانی به‌عنوان حرفه نگاه کرد؟ این سؤالی است که از مدیران دسته بالای کشوری باید پرسید. آن‌ها که به تصمیمات کلان برای پرداخت بیمه بیکاری، حمایت از صنوف، اعطای وام کم‌بهره و...جامه عمل می‌پوشانند. آنچه که نگارنده در یاد دارد در زمان سلامتی جهان پیرامونمان در مرزهای این کشور قانونی در مجلس شورای اسلامی به‌عنوان این مطلب که تئاتر و سینما حرفه‌هایی هستند که مانند تمام حرفه‌های دیگر باید شامل حمایت قانونی قرار بگیرند به تصویب و تائید نمایندگان نرسیده است، حال در زمانی که همه مشاغل تأثیرات کرونا را بر پیکره خود حس می کنند و از طرفی تحریم همه‌جانبه‌ای که امروز کشور با آن دسته پنجه نرم می کند، می‌شود امیدوار بود که هنر از این آشفته‌بازار جهانی سر سلامت به ساحل نجات بگذارد. باید امیدوار باشیم و به این وضعیت به دیده نیک بنگریم. شاید به قول ظریفی کووید ۱۹ خبرهای خوشی را هم با خود به همراه بیاورد. عدو شود سبب خیر چون خدا خواهد...

خبر هنر

تفریح عمومی در عصر صفوی در قزوین

سید محمد علی گلریز قزوین شناس فقید معاصر درباره تفریح عمومی در قزوین در عصر صفوی می نویسد: «در دوران صفویه، میدان شاه یعنی همین جایی که اکنون خیابان سپه گفته می شود، محل تجمع و گردش مردم قزوین بود و در زمان شاه عباس بزرگ به سر حد کمال رسید و غالبا در آن جا از سفرا و بزرگان پذیرایی می‌شد و مردم شهر از عصر تا پاسی از شب، در کنار همین میدان، سرگرم تفریح و گردش بودند.جز این میدان، نقاط دیگری هم محل تفریح عمومی بود که از آن جمله، پاتوق ها و قهوه خانه‌ها، خانقاه ها و زورخانه ها را باید نام برد.

پاتوق محلی بود در بازار یا در مرکز محلات که از طرف یکی از بزرگان طوقی در آن جا نصب می شد و اطراف آن را تزیین می کردند.،اشخاص معروف و متشخص، از دور و نزدیک با اهل محل در آن جا جمع می‌شدند. شعرا و مداحان به خواندن اشعار در منقبت خاتم الانبیا (ص) و ائمه طاهرین(ع) می‌پرداختند. همچنین داستان‌سرایان و شاهنامه‌خوانان با خواندن اشعار حماسی شاهنامه غرور مردم را تهییج می کردند و داستان‌سرایان با شرح و بسط دلیری‌های پهلوانان و داستان جنگ آوری و پیروزی آنان و توصیف مجالس رزم و بزم شهنشاهان و کشورگشایان، روح شجاعت و جوانمردی و آزادگی را در مستمعین زنده می کردند.

در محل پاتوق ها، علاوه بر خواندن مدایح و داستان‌سرایی و شاهنامه‌خوانی، غالبا بین شعرا مشاعره واقع می‌شد. گاهی هم دو تن از سخنوران نامی با یکدیگر به سخنوری می‌پرداختند. در چنین شب ها چنان ازدحامی در محل سخنوری می شد که انتظامات را به زحمت حفظ می کردند. خانقاه‌ها مجمع علاقه‌مندان تصوف و زورخانه‌ها جایگاه عشاق ورزش پهلوانی بود. روی هم رفته وسایل سرگرمی و تفریح طوری برای مردم فراهم شده بود که هم به سهولت می توانستند تفریح کنند و هم روحیه آن ها تقویت می شد و صفات نیک و رفتار پسندیده در پیر و جوان تزریق می گردید.»

مهدی نورمحمدی، از کتاب «تئاتر و سینما در قزوین»

واژگان

نمداند بگد ماست

طرف خطاب این مثل شخصی است که سر رشته امور از دستش بیرون آمده و حرف و اندیشه اش دیگر خریداری ندارد. همچنین در مورد کسی که از فرط ناتوانی و فلاکت روحی و استیصال، توانایی دفاع از خود و دفع مزاحمت ها را نداشته باشد، به کار می رود.

از کتاب دو بلبل روی شاخه های پسته نوشته مجید بالداران